

## مظاهر تنزل علمی و ادبی بعد از حمله مغول

در سالی که شاعر بزرگ ایران در شهر شیراز  
 سعدی و خواجہ سرگرم تألیف شاهکار خود گلستان بود عالم و فیلسوف  
 بزرگ ایرانی به راهی قشون هلاکو وارد بغداد شده سمی میکرد که از  
 اهل فضل و هنر آنچه ممکن باشد پیش ایلخان شفاعت نموده و از قتل نجات  
 بدهد کتابهایی را که بعدها در کتابخانه رصد مراغه گذاشته شد جمع آوری  
 کرده و از تلف شدن در دست وحشیان مغول حفظ مینمود این دو ایرانی  
 بزرگ که دور از همدیگر میزیستند از حیث عقیده مذهبی و رشته معلومات  
 و مسلك سیاسی و جهات دیگر فرق داشتند یکی برای خلیفه بغداد مرثیه  
 میگفت و در مرگ وی ناله و ندبه مینمود دیگری مشاور خاص قاتل همین  
 خلیفه شده و امور مملکت مغول با تدبیر وی اداره میشد ولی هیچکدام  
 آنها اطلاع نداشتند که این سال تسخیر بغداد مبدأ تاریخ برای سر آمدن  
 دوره ترقی تمدن و معارف اسلامی و شروع عصر تنزل اتخاذ خواهد شد و  
 این تنزل دامنه پیدا نموده بیشتر از ۷۰۰ سال طول خواهد کشید نه آن  
 شاعر مؤلف گلستان و سراینده طبیات و بدایع و نه آن فیلسوف و دانشمند  
 ریاضی مؤسس رصد خانه مراغه و مؤلف زیج ایلخانی از این قضیه اطلاع  
 داشتند و نه سایر مردم که از الهامات شاعرانه و علم باحکام اوضاع کواکب  
 بی نصیب بودند ولی عدم اطلاع ایشان در واقع قضیه هیچگونه تأثیری نداشت

دیگر نه شاعری از سنخ سعدی ظاهر شد و نه حکیمی مانند خواجه نصیر-الدین طوسی پیدا گردید.

عقیده عمومی در ایران بر اینست که حمله مغول علت اصلی تنزل بایران و کشورهای اسلامی و تسخیر بغداد علت و منشأ تنزل ایران و تمام بدبختیهای ملی و اجتماعی گردید که ملت بیچاره ما از ۷۰۰ سال باینطرف با آنها دست بگریبان است اگرچه حمله مغول و کشتار هوانك اهالی و ویران شدن خانمانها و پراکنده شدن ارباب حرف و صنایع و اهل علم و معرفت و تلف شدن کتب علمی و ادبی و برانداخته شدن چندین حکومت اسلامی و از آنجمله خلافت عباسی و تخریب بغداد مهمترین مرکز تمدن و معرفت عالم اسلام ضربت بسیار سختی بر پیکر تمدن اسلام و بالخصوص ایران بود ولی این مطلب که سبب منحصر و علت تمامه انحطاط و تنزل حمله قوم وحشی و جاهل و خونخوار مغول بوده باشد محل تأمل است یکی از اسباب تردید در این قضیه آنست که انحطاط فکری و ذوقی منحصر بقسمتهای شرقی عالم اسلام که مورد هجوم مغول و تاتار واقع شده بود نبوده است بلکه این سیر قهقرائی در مصر و مراکش و اندلس مقارن آن زمان یا کمی بعد حاصل شده است در این قسمت هم از ممالک اسلامی که از آسیب حمله مغول مصون ماندند و پای ایلغاربان وحشی و خونخوار بآنجاها نرسید و غالب مردم آن نواحی از حوادث و فتنههایی که در مشرق عالم اسلام اتفاق افتاده بود اطلاع نداشتند آثار و علائم تنزل و انحطاط در همه جهت بطور وضوح مشاهده میشود و مثل مشرق تا امروز ادامه دارد شرق و غرب عالم اسلام بخط تنزل و انحطاط افتاده بودند و در آن راه با سرعت پیش میرفتند گو اینکه در این مسابقه معکوس شاید برد و سبقت با مشرق بود ممکنست که مورخ

محقق با مطالعه عمیقانه در اوضاع و احوال عالم اسلامی و مقایسه جریانهای فکری و تحولات سیاسی و اجتماعی قرن ۶ و ۷ ممالک اسلامی، تاریخ حقیقی شروع دوره تنزل و علت واقعی آن تنزل را که شکست در مقابل وحشیان مغول خود از جمله آثار آن بود معین و تثبیت نماید با همه اینها تعیین یک مبداء تاریخ و حد فاصل بین دو دوره ترقی و تنزل لازم بود و از همه مناسبتر و شاید بحقیقت نزدیکتر همان هجوم مغول و سقوط بغداد است همانطور که هجوم اقوام وحشی شمال اروپا بنحاک دولت روم و تقسیم امپراطوری بدو قسمت شرقی و غربی (۱) از طرف مورخین مبداء تاریخ برای انقضای تمدن قدیم رومی و یونانی و شروع دوره تاریک قرون وسطی اتخاذ شد گو اینکه قبلاً تنزل شروع شده و فساد بجامعه رومی راه یافته بود که حوادث بعدی از نتایج طبیعی و غیرقابل اجتناب آن بود مسلماً دوره انحطاط در سراسر عالم اسلامی شروع شده بود و مقایسه علما و اهل ادب و کتب تألیف شده هر قرن با قرن لاحق این عقب رفتن مستمر را واضح و روشن مینماید در شرق دیگر امثال فارابی (۲) و

۱ - قبلاً چندین بار امپراطوری وسیع روم دچار تقسیم شده بود ولی همه جنبه موقتی داشت تقسیم قطعی و نهائی که در سال ۳۹۵ میلادی بعد از مرگ ثئودوز Theodose بعمل آمد مبداء تاریخ شروع قرون وسطی اتخاذ شد این دوره بیش از هزار سال دوام نمود و با انقراض دولت روم شرقی و افتادن قسطنطنیه بدست ترکان عثمانی در ۱۴۵۳ پایان یافت

۲ - ابونعمر محمد بن طرخان فارابی در شهر فاراب ترکستان متولد شده بعد بایران مسافرت نموده لسان فارسی و علوم دیگر را یاد گرفته و به بغداد و حران رفته منطق و فلسفه را از علمای عصر خود تحصیل نموده است با تتبع فلسفه ارسطو بمقامی رسیده است که تا آنوقت در عالم اسلام کسی به آن درجه نرسیده بوده است حکیم ابن سینا بیشتر از آثار وی استفاده نموده است در دمشق وفات نمود ۳۳۹

ابن سینا (۱) و رازی (۲) و در غرب امثال ابن باجه (۳) و ابن رشد (۴) و ابن زهر (۵) پیدا نشدند.

البته این دوره از تاریخ تمدن اسلامی خلاصه صرف هم نبود بزرگانگی از اهل علم و ادب ظاهر شدند که هنوز هم نام آنها جالب خضوع و احترام هر شخص قدر دان و علاقمند به عالم علم و ادب است غیاث الدین جمشید

۱ - الشیخ الرئيس ابوعلی حسین بن عبدالله پیشوای فلاسفه و اطباء شرق و بمنزله ارسطو و قراط عالم اسلام است در السنه اروپائی بنام آویسن Avicenne معروف است مؤلفات وی بزبانهای اروپائی ترجمه شده و مدتها در مدارس عالیہ مدار تحصیل بود در ۴۲۸ در همدان وفات کرده است

۲ - ابوبکر محمد بن زکریای رازی اعظم اطباء اسلام است از بین مؤلفات کثیره وی کتاب الحاوی در طب از همه مهمتر است و بالسنه اروپائی ترجمه شده است در السنه اروپائی به رازس Razes که محرف رازی است مشهور شده است

۳ - ابوبکر محمد بن یحیی از اهل اندلس و بابن الصنائع نیز معروف است وی جزو استادان ابن رشد فیلسوف محسوب است نام وی را اروپائیان تحریف نموده آون پاسه Avenpace تلفظ میکنند در ۵۳۳ در مراکش در گذشته است

۴ - قاضی ابوالولید محمد بن احمد در ۵۱۴ در قرطبه متولد شده است در ۵۹۲ در مراکش در گذشته است بعقیده بعضیها باید ویرا اعظم حکمای اسلام شمرده آزادی که وی در بیان عقاید خود بکار برده است جالب توجه است اروپائیهها از وی باوروس Avéroés تعبیر مینمایند آثارش به لاتینی ترجمه شده و جزو کتب درس در آمده بود رساله ردیه بر تهافت الفلاسفه غزالی بنام تهافت التهافت از آثار ابن رشد است

۵ - عبدالملک بن ابی العلاء معروف بابن زهر که در السنه اروپائی باون زوآر Avenzoar معروف است از بزرگترین اطباء اسلام است از آثار وی کتاب الثیر بزبان عبری و لاتینی ترجمه شده و مدتها از مراجع علمی برای علمای اروپا بوده وی از جمله استادان ابن رشد معروف است و خود ابن زهر از اهل اندلس بوده در سال ۵۵۹ وفات نموده است

کاشانی (۱) مجدالدین فیروزآبادی (۲) میرسید شریف جرجانی (۳) و امثال آنها نمایندگان استعداد قوم با هوش ایرانی برای کسب معرفت و تبجر در علوم و فنون مختلفه در انتهای مهاجمات و قتل و غارت‌های اقوام وحشی و خونخوار خارجی میباشند در مغرب عالم اسلام ابن خلدون (۴) و جلال‌الدین سیوطی (۵)

۱ - غیاث‌الدین جمشید کاشانی از اعظام علمای ریاضی و هیئت است در خدمت الخ بیک نوّه امیر تیمور کورکان بسر میبرد و مابین چندتن از افاضل و دانشمندان که در تنظیم زیج شرکت داشتند سهم وی بیش از سایرین بود و بر همه آنها برتری داشت

۲ - مجدالدین ابوظاهر محمد بن یعقوب بن محمد فیروزآبادی معروف بسه صاحب قاموس منسوب به فیروزآباد فارس است از مطالعه کتاب قاموس این خیال بندهن میرسد که وی بتمام علوم عصر خود آشنائی داشته است گویند قاموس اختصاری است از کتاب مفصل دیگری از مؤلفات فیروزآبادی که در شصت جلد نوشته شده است و از آن کتاب یک نسخه هنوز هم در یمن باقی است فیروزآبادی در ۸۱۶ در زبید از شهرهای یمن وفات نموده است

۳ - السید الشریف ابوالحسن علی وی معاصر امیر تیمور کورکان بوده در مباحثاتی که مابین وی و تقنازانی اتفاق افتاد غلبه با سید شریف بود شهرت وی حتی در حال حیاتش هم باطراف عالم اسلامی رسیده بود از مشهورترین آثار وی کتاب تعریفات است در سال ۸۱۶ در شیراز وفات یافته است

۴ - ابوزید عبدالرحمن بن محمد حضرمی یکی از بزرگترین و مشهورترین مورخین اسلام و عرب است در فن تاریخ نگاری طریقه خاصی که تا آنوقت معمول نبود پیش گرفت و اصول انتقاد و تحقیق و محاکمه را در نوشتن تاریخ بکار برده است و از آنرو مابین مورخین مقام خاصی را حایز شده است تاریخ ابن خلدون که در هفت جلد بزرگ است از کتب معتبر و مخصوصاً راجع بتاریخ و اوضاع بربرها مهمترین سند است مقدمه آن بچندین زبان ترجمه شده است در ۷۲۳ در تونس متولد و در ۸۰۶ در قاهره درگذشته است

۵ - جلال‌الدین ابوالفضل عبدالرحمن بن محمد از اعظام علمای اسلام در قرون متأخره است به کثرت و تنوع مؤلفات خود ممتاز است عدّه مؤلفات وی که بالغ بر صد است مربوط است به تفسیر تاریخ حدیث و تراجم احوال و ادبیات و بعضی علوم دیگر که در آن دهر متداول بوده است در ۹۱۱ درگذشته است

از مشعلداران علم و معرفت بودند و آثار علمی و ادبی گرانبهای آنها هنوز هم از ذخایر معنوی مسلمین میباشد ولی ظهور این قبیل بزرگان و نوابغ علم و ادب فقط بر این معنی میتوانند دلیل باشند که تمدن و معرفت بالمره هم از بین ملل اسلامی منقرض نشده و گاهگاهی اینجا و آنجا نوابغی بظهور میرسیده که از آنجهت که معلومات و هنرهای خود را از استادان سابق گرفته و با پیروی از آثار آنان بآمرتبه رسیده بودند خود مستقلاً دلیل بارزی بودند بر بلندی مقام علمی پیشینیان و انبساط و توسع مجیر العقول تمدن و معارف اسلامی در زمانهای سابق .

مقدمه اصلاحات  
 آثار علمی و ادبی که بعد از حمله مغول ظاهر شده  
 نوعاً معرف اوضاع فکری و ازعلائم انحطاط ذوقی  
 و ادبی ملت در زمان ظهور آن آثار میباشد و در هر  
 یکی از آنها این حالت عمومی بشکلی تظاهر نموده است ما در اینمقاله به  
 عنوان نمونه و برای فتح باب بحث در این مسئله بسیار مهم چند مورد را  
 بطور اختصار از نظر خوانندگان محترم میگذرانیم و عقیده ما براین است  
 که اگر بنا باشد که ما در ادبیات و اصول نگارش و بیان مطلب و تألیف  
 کتب اصلاحاتی از روی نقشه و با فکر اجرا بکنیم و حل این مسئله مهم  
 را بعهده مرور زمان و تصادفات محول ننمائیم یکی از شرایط اصلی و اساسی  
 همان مطالعه آثار علمی و نوشته های نظمی و نثری دوره تنزل میباشد از  
 این دوره که مابین دوره ترقی و عصر طلایی تمدن اسلام و زمان معاصر  
 و یا قریب بمعاصر ما واقع شده است آناری بیادگار مانده است که اگر  
 چه نسبت بآثار دوره سابق بر خودش کمتر ارزش معنوی و ادبی دارند ولی  
 از طرف دیگر مطالعه آنها و تشخیص جهات ضعف در آنها برای حصول  
 موفقیت در اصلاحات ادبی اهمیت بیشتری دارد چونکه از دو عصر ( ترقی )

(و تنزل) دومی بعصر ما نزدیکتر است و عصر ما در حقیقت امتداد و دنباله همان دوره است و در اصول نگارش و ادای مطلب اگر اصلاحاتی بعمل آمده است اساس و متن آن همان نوشته‌ها و آثار دوره تنزل است و با وجود اصلاحات و تعدیلاتی هم که از یک قرن باینطرف راه یافته است باز مقدار معتدبه‌ی از آن صنعتها هنوز هم در نظم و نثر فارسی باقی است که پیراستن زبان و اصول نگارش از آن صنعتها قاعده مقدم بر سایر اصلاحات جدیده باید بعمل آید.

در کتب علمی که از اواخر قرن ۷ باینطرف تألیف شده است علائم تنزل بچندین شکل ظاهر شده از جمله

در مؤلفات این دوره اهمیت بیشتری بمطالب خارج از اصل علم داده میشود مقدمه‌های طولانی و صرف وقت و توجه بیشتر در تعریف علم و بیان موضوع و غایت و فائده آن علم که خارج از مقصود اصلی است یادگار این عهد است در باره مطالبی که علمای صدر اول خود را معطل نمینموده بلکه با اشاره مختصری از آن گذشته و وارد مطالب اصلی میشوند مؤلفین دوره های بعدی عنایت بیشتر از حد لزوم مبذول میداشتند توجه باقوال یکدیگر و ایراد بتعریفات و مناقشه در اصطلاحات بین مؤلفین کتب علمی رایج میشد و کم کم تألیف کتابهای مستقل در باب فنون مختلفه از رواج میافتاد و بجای آن شرح کتابهایی که در زمان سابق تألیف شده بود معمول میگردد علمای هر فنی تحقیقات خودشانرا در ضمن شرح یا حاشیه بر مؤلفات سابقه بعمل میآوردند از این رو شرح بر شرح و حاشیه بر شرح و حاشیه بر حاشیه اشتغال عمده ارباب علوم و فنون مختلفه گردید این کیفیت خود کمک دیگری بود بر تنزل علوم و معارف زیرا فهم مراد مصنفین و اختلاف عقاید شراح و نویسندگان حواشی در باره آنها و ترجیح اقوال آنها بر یکدیگر فی حد نفسه یک موضوع اعمال قوه فکریه

و دقت گردید که مقدار معتدیهی از قوه و وقت و وسیله تحصیل محصل هر عامی بایستی صرف آن بشود و از اینرو محصلین علوم نمی توانستند تمام توجه و قوه خود را مصروف تحصیل علوم بنمایند و باید باین نکته دقت نمود که لزوم توجه بیش از اندازه به عبارات و الفاظ کتاب و فهم مراد مصنف چه در محصل هر علمی را از فرا گرفتن اصل علم که غالباً مشکل و محتاج صرف تمام توجه و باصطلاح شش دانگ حواس میباشد باز میدارد و شاید یکی از علل ظهور علمای بزرگ در زمانی که کتب علمی محدود بود آنست که در اوایل عمده مدار تحصیل بر خود علوم و فنون بود نه یاد گرفتن عبارتهای مختلف و با تعقید کتب علمی و حل اشکالات ناشیه از اختلاف اقوال و اصطلاحات و تعریفات کتابهایی که حاوی مطالب متفرقه بود و محتریات آنها ارتباط زیادی باهم نداشتند. بعدها بسیار رایج گردید کَشکول و مخلّاة مرحوم شیخ بهائی از مشهورترین و بهترین نمونه های این قبیل کتب است که بتقلید از آنها کتابهای زیادی از طرف مؤلفین متأخر که استعداد و صلاحیت شیخ را واجد نبودند تألیف شد بعضی از این تقلیدها از حیث بی ارزش بودن مطالب و عدم ارتباط آنها با یکدیگر بقدری ناقص هستند که آنها را از شایستگی اطلاق اسم کتاب انداخته است و یکی از علل فساد ذوق مشتغلین بعلم و ادب عصر میباشد مطالب آنها گاهی قابل نوشتن در یک کتاب نیست و اغلب تناسبی هم با یکدیگر ندارد مثلاً بعد از تفسیر یک آیه از قرآن و بیان مشکلات آن یک قصیده مشتمل بر اشعار هزلی و رکیک و شرم آور مندرج است که اگر برای نقل آن قصیده ننگین لزومی بود قطعاً محل آن غیر از آنجائی بود که آورده شده است در این کتابها بعد از نقل قول معروف کرخ و بسایزید بسطامی راجع به بیوفائی دنیا و ترغیب بزه و ترک لذات یک حکایت مضحک و مسخره آمیز در باب یک قصه مستهجن و مستعجب الذکر نقل شده است که



اثر اخلاقی و عرفانی که ممکن بود از قول عرفا حاصل بشود زایل مینماید  
 اجمالا بیحوصلگی و قلت تتبع و بی ذوقی مؤلفین این کتابها از خلال سطور  
 آن نمایان است و بهیچ وجه قابل مقایسه با کتب مؤلفه در صدر اول که هنوز  
 تألیف و تدوین کتب در حالت طفولیت بود نمی باشد کتابهایی که بعنوان  
 امالی و مجالس یا عنوانهای دیگر در عصرهای اولیه نوشته شده است و بعضی  
 از آنها خوشبختانه تا امروز از بین نرفته است گنجینه ایست که برای طالبان  
 علم و معرفت جواهر گرانبهای علمی و ادبی را ذخیره کرده است البیان  
 والتبیین جاحظ امالی سید مرتضی و امالی ابوعلی قالی و حتی محاضرات راغب  
 را باید اسم برد

تنزل شعر فارسی در این دوره بیشتر روشن و قطعی

است عصر شعر متین و قصاید مطمئن و غرا از قبیل

شعر فارسی

اشعار فرخی سیستانی مدتها بود که گذشته بود و شعر فارسی متمایل بسادگی  
 شده و بلسان محاوره مردم نزدیکتر میشد بر اهمیت قطعه و غزل که سابقاً  
 در دیوان شعرا دارای مرتبه و مقام ثانوی بودند افزوده میشد وصف کوه  
 و صحرا و برف و باران و بهار و خزان و شکار و جنگ و کلیه آنچیزهاییکه  
 با عالم خارج و عظمت آثار قدرت و صنع الهی و زیباییهای طبیعی مربوط بود  
 از رواج افتاده بود و بجای آن تخیلات نازک و وهمی شاعرانه جایگزین  
 میشد نه برای فرخی سیستانی در توصیفهای خود از بهار و داغگاه و امثال  
 آن نظیر و مشابهی پیدا شد و نه شاعریکه مانند منوچهری دامغانی تشبیهاتی  
 از اشیاء خارجی غیر موهومی در شعر خود وارد نماید ظاهر گردید با وجود  
 آنکه در اثر استیلای قوم وحشی و برهم خوردن نظام اجتماعی و شایع شدن  
 ظلم و فساد و بی انصافی پایه اخلاقی ملی بسیار پائین آمده بود و چاپلوسی و  
 تملق از بزرگان و ارباب نفوذ و قدرت رائج روز بود معیناً قصائد مدحیه

دارای مضامین بکر و شاعرانه از این دوره باقی نمانده است که قابل مقایسه با مبالغه های ظهیر فاریابی باشد ایلیخانان مغول و امرای وحشی و بی تربیت آنها از جنس مغول و تاتار و ترک طبعاً شعر آنها هم فارسی بکارشان نمیخورد ولی نویسندگان و وزراء و صدور که از همان اوایل هجوم مغول دور قاآنها و خانها و نوئینان را گرفته بودند و در زیر سایه قاآن عادل دارای قدرت و ثروت گردیده و ادعای فضل و هنر و شعر شناسی و حتی شعر گوئی هم داشتند از جمله تعماتی که از آن خوان یغما برخوردار بودند مدایح و قصائد شعرای عصر بود ولی چنانکه اشاره شد در این باب هم نتایج قابل ملاحظه ای حاصل نشده است چرا برای گویندگان اسباب اخذ صله و جائزه و احسنت و آفرین و برای ممدوحین اسباب ارضای حس خود پسندی بوده اند ولی ادبیات و زبان فارسی استفاده چندانی از آنها نکرده است اساساً اغراض و مقاصدیکه از شعر سابقاً منظور بوده دیگر در نظر گرفته نمیشد شعرائی پیرو فردوسی و دقیقی با بعرضه ظهور نگذاشتند که بانظم داستان مفاخر ملی و تأسف از انقضای دوران عظمت و اقتدار عشق استقلال و رهائی از تسلط بیگانگان را در قلب ملت ایجاد نمایند هیچیک از شعرای آن دوره از تسلط مهاجمین وحشی و بی تربیت و منفور که عادت بخوردن شیراسب و گوشت خوک داشتند آه و افسوسی نکرد ناصر خسروی که از شعر برای تبلیغ عقائدیکه بر آن ایمان راسخ داشت استفاده نماید ظهور نکرد تا برای اینکه در عقیده خود ایستادگی کرده است از یار و دیار خود آواره گشته و در کوه و غار دور از اجتماع عمر خود را بی پایان رساند حتی اشعار عرفانی و صوفیانه هم با غیر از آن روحی که سنائی و عطار سروده بودند منظوم میشد.

داستانهای منظوم بسیاری از آن دوره بیادگار مانده

نظایر خمسه

است ولی چون شعرای ایران قدرت ابتکار را بکلی

نظامی

از دست داده بودند علاوه بر موضوع داستان و وزن

اشعار در عده کتابها هم بتقلید از شاعر بزرگ يك خمسه بنظم میآوردند مثل اینکه حس تقلید و عدم وسعت نظر بآنها اجازه نمیداده است که مثلاً چهار یا شش داستان بنظم بکشند گذشته از لسان الغیب که باید در یاره آن نایبۀ ادبیات فارسی که شاید ایرانی ترین شعرای ایران است علی حده سخن گفته شود فقط چند تن از شعرای این دوره در اشعار خود ابتکار فی الجمله ای بخرج داده اند این یمین و محتمشم کاشانی و صائب تبریزی را شاید از آن جمله بتوان شمرد يك قسم اشعار که اخیراً بنام سبک هندی مشهور شده است از اختراعات همین دوره تنزل است از اختصاصات این قسم اشعار سادگی و روانی قابل ملاحظه آنها است و گاهی مضمونهای بکر و عالی و شاعرانه را متضمن هستند ولی متأسفانه از روپهمرفته آنها که مدت سه چهار قرن وقت و فکر سخنوران را مشغول نموده اند چیز مهمی عاید ادبیات فارسی نگردیده است در اشعاری که به سبک هندی سروده شده است به بیان نکته ها و مضامین کوتاه که در يك بیت یا دو بیت ادا میشود اهمیت داده شده و در این راه مبالغه شده است تا آنجائیکه شعر سبک هندی جنبه شعری خود را تقریباً از دست داده است و عبارت از يك مشت نکته پردازی و نازک کاری شده است و در اثر مداومت در این شیوه واستمرار در نکته پردازی در اطراف چند موضوع معین دیگر این قسم شعر بکلی مبتدل شده است وابتدال هم چیزی است که با حقیقت شعر منافات کلی دارد مخصوصاً با این قسم شعر که اساس آن بر نکته سنجی و تخیل مضمونهای بکر بنا شده است مسن باب مثال گوئیم که در اشعار عاشقانه سبک هندی نکته ها و مضامین خیالی مربوط بحوادث روزانه و برخوردارهایی است که ما بین عاشق ( خود شاعر ) و معشوقه و رقیب اتفاق میافتد نکات و مضامین شاعرانه که از طرف شاعر بکار برده شده است بدور این سه نفر میگردد که در حقیقت سه رکن اساسی اشعار عاشقانه سبک

هندی میباشد و از اینرو این قسمت از ادبیات ما برمانها و نمایش نامه هائی که مدتی است در فرانسه (۱) رایج شده است خالی از شباهت نیست که در آنها هم ماثث بودن قهرمانهای حکایت یا نمایش بقدری شایع است که از صفات ممیزه آنها گردیده است مثلا وقتی که میخواهند بموضوع قصه یا نمایش اشاره بکنند میگویند باز هم مثلث دائمی (۲) و معهود

سبک هندی از بس مبتدل شده بود وقتی که دوره نسخ آن فرا رسید و شعرائی از قبیل مشتاق اصفهانی بنای تتبع آثار قدما را گذاشته و بسبک شعرای قدیم خراسانی به نظم قصاید مطمئن راغب شدند و نظم خیالات نازک کار هندی از رواج افتاد با شادی و شغف ادبا تلقی گردید و سبک هندی بطوری منقرض شد که دیگر امید اینکه دوباره احیا بشود نمیرود.

حافظ بعقیده بعضیها بزرگترین شاعر ایران است

#### حافظ شیرازی

نام وی در خارج ایران هم اشتهار قابل ملاحظه‌ای

یافته است و شاید ملل دیگر ویرا بیش از خیام نماینده افکار شاعرانه ایرانی تلقی نمایند ولی با قبول همه آنها وجود خارق العاده لسان الغیب دلیل این

۱- در رمانها و نمایش نامه‌های Pièce فرانسه موضوع قصه و تماشا غالباً مربوط است باحوال و سرگذشت سه نفر که عبارت از زن و شوهر و عاشق باشد که در حقیقت رمان یا نمایش شرح ارتباط و معاشرت و مکالمه این سه شخص بایکدیگر است و قهرمان و عروس الروایه لابد در میان این سه نفر است که در اصطلاح آنها را مثلث و کتاب را مثلث الموضوع میگویند و رواج این شیوه در ادبیات علاوه بر آنکه تا اندازه‌ای اسباب ابتذال و نامرغوبی ادبیات اخیر فرانسه شده است باعث هم گردیده است که اوضاع زندگی داخلی و اصول معاشرت خانوادگی فرانسویها خیلی مختل و سست جلوه بکند صدمه و زیبائی هم که از ناحیه مطالعه و تماشای این قبیل آثار ادبی به اخلاق عمومی و مخصوصا طبقه جوان متوجه است بهیچ وجه جایز نیست که از نظر دور گرفته شود

نیست که شعر فارسی بعد از حمله مغول در حال تنزل نبوده است نه تنها استثنای يك فرد اسباب نقض حکم کلی در این قبیل موارد نمیشود اصلاً شعر شاعر بزرگ از خصوصیات عصر خود برکنارنمانده و رنگ اوضاع و احوال عمومی را گرفته است اگر چه شایسته‌ترین شاعر ایران برای اطلاق کلمه نابغه باشد.

نثر فارسی که در دوره ترقی ادبیات فرصت کافی برای ترقی و تکامل پیدا نکرده بود بعد از شروع دوره تنزل همراه علوم و معارف و شعر آن هم مسیر خود را عوض نموده راه انحطاط و تنزل را پیش گرفت ولی برخلاف نظم فارسی که در دوره تنزل همیشه مایل بسادگی بود نثر فارسی در دوره تنزل سادگی اولی خود را رها کرده و شکل مغلق و دارای تعقید بخود گرفت لغات عربی بیشتر از سابق استعمال میشد و نویسندگان دوره مغول مخصوصاً مورخین مبلغ معتدبھی هم از لغات مغول و ترک و ایغور وارد نثر فارسی نمودند نثر مسجع که در اوایل در موضوعات ادبی که اسماً نثر بودند و جنبه شعری داشتند از قبیل مقامات حمیدی و مناجات خواجه عبدالله و گلستان بکار میرفت حالا استعمال آن شیوع پیدا کرده حتی در کتابهای تاریخ هم از سجع و يك قسم وزن مخصوص استفاده میشد صنایع بدیعه در نثر فارسی فراوان اعمال میگردد مقایسه انوار سهیلی با کلیله و دمنه ترجمه ابوالعالی منشی يك راه فکر و تأمل در باره نثر فارسی و مآل حال آن در زمان تنزل را نشان میدهد در صورتیکه ترجمه ابوالعالی از حیث تصنع در عبارت و مشتمل بودن بر مطالب خارج از موضوع وحشو و زواید از اشعار و امثال و حکم با اصل خود یعنی کلیله و دمنه! بن‌المقفع فرق بسیاری دارد

از خصوصیات این دوره تألیف کتابهای مهم تاریخی

بزبان فارسی است از یکطرف در نتیجه انقلابات

کتاب تاریخ

عظیمی که با حمله اقوام وحشی مغول و برانداخته شدن حکومت‌های مستقل و برهم خوردن نظام اجتماعی علاقه مردم آن عصر بتاریخ خیلی شدت پیدا کرده بود و از طرف دیگر مدتی بود که زبان عربی از رسمیت افتاده و فقط در کتب علمی خالص از قبیل فقه و اصول و تفسیر و حکمت و کلام بکار برده میشد کتاب‌های مهم و معتبری که برای اجابت رغبت عمومی و حس تجسس مردم آن عصر در باره حوادث و تحولات پی در پی تألیف شده است همه بزبان فارسی است ولی متأسفانه ضعفی که عارض نثر فارسی شده بود در ضمن کتاب‌های تاریخی هم تجلی نموده است مورخین فارسی عاشق بیقرار تکلف و تصنع و اهمیت دادن بیش از حد لزوم بر الفاظ گردیدند مثل اینکه در مقام تألیف کتاب اصل مقصود را که عبارت از حکایت نمودن وقایع و مطلع نمودن خوانندگان از خصوصیات حوادث است فراموش نموده یا در درجه دوم از اهمیت قرار داده بودند فرد جلی (۱) این قسم از کتب تاریخی تاریخ معروف و صاف است این کتاب که بعنوان ذیل تاریخ جهانگشای جوینی تألیف شده است شامل تاریخ سلسله ایلخانیان مغول در ایران است و شامل مقداری هم از تاریخ مغول‌های اصلی (امپراطوری مرکزی مغول) و بعضی شاهزادگان مغولی که استقلال پیدا نموده بودند میباشد و همچنین تاریخ بعضی از سلاطین معاصر ایلخانیان که در ایران و قسمت‌های دیگر ممالک اسلامی سلطنت کرده‌اند در آن کتاب شرح داده شده است تاریخ و صاف از آنجهت که مشتمل بر شرح بعضی مطالب خصوصی و جزئی است که در کتب تواریخ نوعاً اعتنائی بآنها نمیشود از قبیل اوضاع داخلی دربار خلیفه و منازعات مذهبی سنی و شیعه در بغداد و تفصیل تاجگذاری قاآن مغول و مجلس منادمه پسران صاحب‌دیوان و امثال آنها بسیار مفید و مغتنم هم هست ولی انشای با تکلف آن که پر است از لغات عربی که بزبان فارسی کاملاً

وارد شده و از لغات مغولی و ترکی جهاتانی که بگوشه‌های ایرانی غیر مانوس و سنگین است و از صنایع بدیعی (منوی و لفظی) که گاهی خیلی بارور و کیهک است و شاید مهمتر از همه از جهت افراط در نقل اشعار مخصوصاً عربی که چندین مناسبتی هم با موضوع ندارد از قیمت این اثر نفیس بسیار کاسته است خواننده این کتاب (دارای سواد عادی فارسی) عوض اینکه يك مطلب تاریخی استفاده کند و بر معلومات خود در باره اوضاع مملکت و احوال مردم آن زمان بیفزاید با لغاتی روبرو میشود که برای حل آن رجوع بقاموس و برهان قاطع هم کافی نیست و برای پیدا کردن خبری که مبتدای آن در اول صفحه واقع است از قطعات شعر مشکل عربی و فارسی باید عبور کند تا در آخر صفحه آنرا پیدا نماید آن هم در صورتی که از کثرت صنایع بدیعیه استعاره و کنایه و جناس رشته مطلب را گم نکرده باشد خواننده کتاب که با این مشکلات دست بگریبان میشود از مطالعه استفاده نمیکند از هوس خود پشیمان شده و از تاریخ خوانی هم بیزار میگردد.

تاریخ معجم که در تاریخ پادشاهان قبل از اسلام ایران تألیف شده است اگر چه از حیث تکلف و مغلق بودن عبارت بیایه و صاف نمیرسد ولی در آن کتاب هم مطالب تاریخی فدای صنایع لفظیه و عبارت پردازی و اشعار خارج از موضوع عربی و فارسی گردیده است شاید مؤلفین این قبیل کتابها قصد تاریخ نگاری نداشته‌اند بلکه میخواسته‌اند که تاریخ را عنوان نموده يك کتاب ادبی تألیف کرده و اطلاعات ادبی و لغوی و شعری خود را در آن ظاهر بکنند بهر حال انشای پر تکلف و حشو و زوائد آنها نه تنها آنها را نامطبوع و مشکل و از لحاظ تاریخ تا اندازه‌ای بی فایده و باصطلاح امروز مسلوب المنفعه نموده است بلکه برای مورخینی هم که واقعاً قصد نوشتن تاریخ داشتند سر مشق قابل تأسفی گردیده‌اند مثلاً میرخواند و خواند میر که هر دو از بزرگترین مورخین

ایرانی بعد از حمله مغول بودند و قطعاً در تألیف آثار گرانها و معظم خود قصد تاریخ نویسی داشته اند. تحت تأثیر خلط مبهت و اشتباه کتاب تاریخی پها کتاب ادبی و عبارت پردازی که رایج روز بود واقع شده اند. روضة الصفا و حبیب السیر اگر چه دارای انشای نسبتاً ساده‌ای هستند و حشو و زواید هم کمتر دارند و از این جهت بهیچ وجه قابل مقایسه با و صاف نیستند. معیناً در آن کتابها هم حق تاریخ نگاری کما هو حقّه ادا نشده است. عنوانهای مسجع و مقفای فصول کتاب و مقدمه های درازی که برای دخول در اصل مطلب در آغاز بسیاری از فصول چیده شده و غالباً صنایع بدیعی و براءت استهلال در آن بکار رفته و همچنین اشعار فراوانی که بعنوان تمثیل برای مطالب تاریخی نقل شده است بخوبی میرساند که در این ذوات نفیس هم باز لفظ بعد خود قانع نشده و بحقوق معنی (که مقصود اصلی است) تجاوز نموده است. چون عصر، عصر تصنع و عبارت پردازی بوده بسیار طبیعی بوده است که کتابهایی از قبیل و صاف و انوار سهیلی در نظرها جلوه داشته باشند و ذهن نویسندگان و مورخین را انشاهای تکلف آمیز بخود مشغول نمایند. در صورتی که کتابهای تاریخی از قبیل کامل ابن الاثیر و ابوالفداء و ابن خلدون که در زمانهای نسبتاً نزدیکتری نوشته شده بودند در دسترس داشتند ولی نه از آنها و نه مثلاً از تاریخ بیهقی و زین الاخبار گرد یزی که بزبان فارسی تألیف شده بودند و مؤلفین آنها خراسانی و همولایتی نویسندگان روضة الصفا و حبیب السیر بودند پیروی نکرده اند.

کتابهای متعددی بعنوان تذکره و تاریخ شعرا از

تذکره شعرا

این دوره بیادگار مانده است از خصوصیات این کتابها

ساده و مختصر بودن عبارات آنها است و از این حیث در آنها افراط بعمل آمده است و مطلب مهم و مفیدی هم غالباً از آنها بدست نمیآید با وجود اینکه



مؤلفین این کتابها کبه غالباً متصدی جمع آوری تاریخ حیات و نمونه ای از اشعار تمام شعرای معاصر خود بوده اند و حتی نام اشخاصی را که رسماً جزو شعرا محسوب نبودند و فقط یک شعر از وی شنیده بودند در کتاب خود نوشته اند معیناً فایده متصور و معقول از تألیف این قبیل کتب بر زحمات و آثار آنها مرتب نشده است در تألیف کتب شرح حال شعرا و آوردن مبالغی از اشعار صاحبان ترجمه در ذیل شرح حال آنها منطقی بایستی یکی از دو فایده منظور شده باشد اول اطلاع از شرح حال و تاریخ زندگانی شعرا و ادبا و مخصوصاً قضایائی که مربوط بحیات ادبی آنها است دوم نقل اشعار منتخب از آثار و نتایج طبع شعرائی که تاریخ آنها نوشته شده است که از این رو مجموعه ای از اشعار خراب و برگزیده در یک جا گرد آورده میشود که تحصیل آنها از منبع اصلی (دواوین و تألیفات شعرا) برای اشخاص عادی که طالب ادبیات هستند مشکل و گاهی هم متعذر است در کتب تذکره فارسی که کار استقصا را بجائی رسانده اند که فلان زرگر یا سراج را که فقط یک شعر گفته است در کتاب خودشان اسم برده اند این دو فایده اصلی بدست مراجعه کنندگان نمیآید از این تذکره ها نه استفاده تاریخی و ترجمه احوال (۱) و نه استفاده قطعات منتخبه (۲) بعمل میآید با مقایسه این قبیل کتابها مثلاً بایتمه الدهر تعالی و دمیة القصر بساخزری و مخصوصاً با معجم الادبای یاقوت حموی که یکی و بلکه هر دو فایده را میتوان از آنها برد میزان تنزل در مورد تألیف کتب تراجم شعرا و ادبا واضح میشود.

ملاحظاتى که در ضمن این مقاله راجع بدوره تنزل

وانحطاط علمى وادبى ایران از نظر خوانندگان گرامى

گذشت از روی اختصار و مانند فهرست بعضی مطالب

راه توجه

عمومی

قابل توجه و بحث کردنی ذکر شده است و اساساً غیر از بیان و منعکس نمودن احساسات و تأثیراتی که در نتیجه مطالعه عبادی حاصل میشود مطالبی نیست و هیچ وجه مبتنی بر تتبع و استقصای لازم این قبیل موضوعات نمیباشد و این موضوع لایق آنست که مورد توجه و عنایت خاص فخرایی متتبع معاصر واقع گردد بر آنها است که آثار علمی و ادبی ادوار مختلفه گذشتگان ما را موضوع مطالعه و تحقیق دقیق علمی مبتنی بر اصول صحیحه انتقاد قرار بدهند و نیز تکامل و تحول آثار علمی و ادبی ایران مخصوصاً آثار بعد از اسلام را از ابتدای پیدایش آن تا زمان حاضر تعقیب نموده آثار علمی و ادبی را بر حسب نوع و زمان و ارزش معنوی آن طبقه بندی کنند و ادوار مختلفه ترقی و تنزل و احیای دوباره آنها را با هم دیگر مقایسه نموده و پست و بلند و قوی و ضعیف آنها را تشخیص بدهند و نتیجه مطالعات و تتبعات خودشانرا در این باره در دسترس عموم بگذارند و در اثر این عمل افکار عامه متوجه این قبیل معانی میشود و ملتفت میگردد که این قبیل موضوعات هم خوب و بد دارد و دارای مراتب مختلف است و بآن علاقه مند میشود و کم کم درباره آن خودش صاحب رای و نظر میشود و از اینراه سطح معلومات عمومی مقدار معتدبهی بالا میرود و توجه عمومی و التفات به خوبی و بدی و ارزش واقعی هر عمل و صنعتی باعث آن میشود که اهل آن موضوع و صنعت تکلیف خودشان را بهتر ادا بکنند و جنس بهتر و مرغوبتر تحویل بدهند مسائل ادبی و علمی هم از این قاعده کلی مستثنی نیست و مثل معروف در این مقام مورد پیدا کرده است که گفته اند (مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد) در این مقاله مطالبی چند در باره آثار دوره تنزل ادبی ایران بعرض رسید اما راجع به جهات شخصی صاحبان آن آثار یعنی فضلا و ادبای ایران و خصوصیات اخلاقی آنها که بنحوی از انحاء در نتایج فکری و ذوقی آنها تأثیر داشته است مجال اظهار

نظر پیدا نکردیم شاید در آینده در همین نشریه بآن موضوع برگردیم ولی  
بهر صورت این نکته مسلم است که آثار علمی و ادبی که از آن زمانها  
بیادگار مانده است اگر چه رویهمرفته ضعیف و دائماً روبه تنزل بوده است  
ولی از آنجهت که همین آثار دوران تنزل در اوقاتی بوجود آمده و با  
اوضاع و احوالی مقارن بوده است که ظهور آن قبیل اوضاع و احوال در  
ملل دیگر عاده موجب انقراض کلی معنویات و از بین رفتن بالمره علم و  
معارف بوده است و باوجود آن در وطن ما با آن حوادث وحشتناک و قتل  
و غارت‌های بی دریغی و لاینقطع بازچراغ علم و معرفت بالکلیه خاموش نشده  
و خلفاً عن سلف دانشمندان و ادبای ما امانت عام و ادب را تا زمان ما رسانده‌اند  
همین آثار پیش ملت ایران بسیار عزیز و مغتنم و باقی گذاران آن آثار هم مستحق  
تشکر و امتنان و هم مایه افتخار ملت خود میباشند.